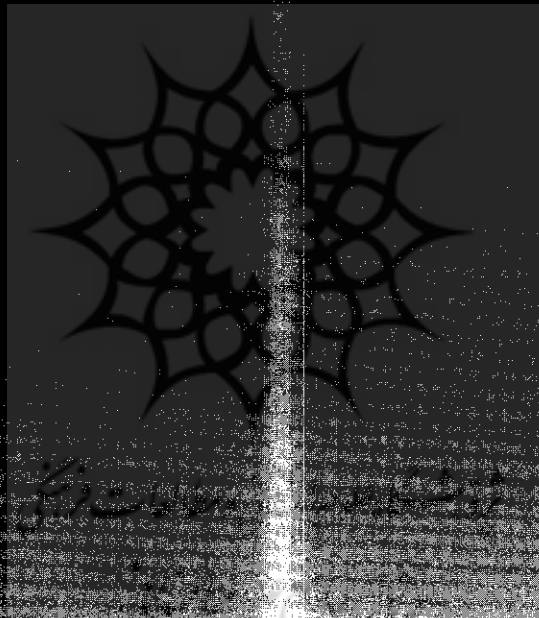


نظر

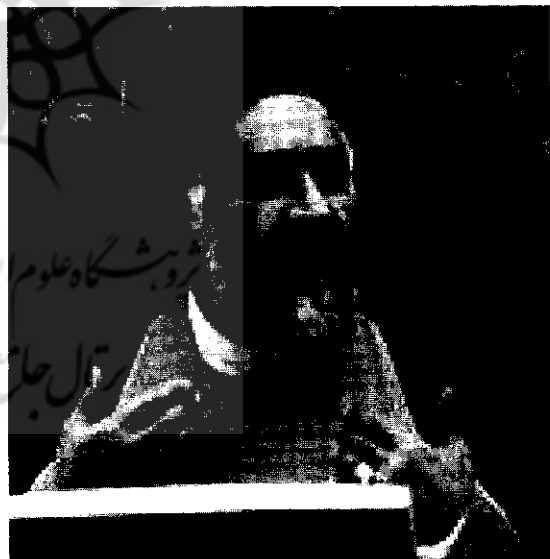


■ پاسخ اسلامی و کاتولیکی به چالش شبیه‌سازی

■ سخن بودا برای روزگار ما

پاسخ اسلامی و کاتولیکی به چالش شبیه سازی

سیدمصطفی محقق داماد
ترجمه: منوچهر دین پرست



علمای اسلام و مقامات رسمی نهادهای اسلامی با شبیه سازی انسان مخالفت کرده و آن را خلاف دین می دانند. آنها گمان می کنند مخالفتشان بر اساس استدلالهای الهیاتی و فقهی است. چرا که این عمل را دخالت در قدرت خداوند، بر هم زدن سنت ازدواج، فروپاشی تنوع و گوناگونی آفرینشهای بشری، دگرگونی در ساختار آفریده های الهی و دیگر چیزهای شبیه آن می دانند. آنها می گویند که استدلالهای مخالفت خود را از آیات فوق بر روش شناسی فقه اسلامی منطبق نیست و به ارائه کنندگان پیشنهاد می شود که راه حل کلی خود را بر اساس مبانی اسلامی نظام مند کنند تا به شبیه سازی انسان نیز پاسخ مناسب و درخورشان دهند.

■ ■ ■

کلیسای کاتولیک، مانند مسلمانان به صورت ویژه به نهادهای خانواده و شخصه های الهی آن توجه کرده است. تا جایی که این توجه به علم ژنتیک و شاخه های آن از جمله شبیه سازی گسترش پیدا کرده و در نتیجه ما شاهد یک حساسیت خاص در ایمان کاتولیکی و بسیاری از مسلمانان به این موضوع که قضاوت بسیاری نیز فرار گرفته هستیم.

کلیسای کاتولیک کوشش برای شبیه سازی انسان را به صورت قطعی محکوم نموده و این اقدام را غیر اصولی و خلاف کرامت انسانی می داند. نگرش کلیسای کاتولیک تفاوتی بین شبیه سازی انسان و درمان ژنتیکی نمی بیند. بدین گونه هر دو را نپذیرفته برای اینکه در مورد اخیر جنین شکل گرفته متعاقباً نابود می شود و این بر خلاف ابتدایی ترین حق بشر یعنی حق زندگی است. بنابراین، کلیسای کاتولیک مخالفت آشکار خود را نسبت به این موضوع اعلام کرد. اگرچه بر اساس بسیاری از ملاحظات اعتقادات کاتولیکها در مهندسی ژنتیک مورد توجه قرار نگرفت، اما آنها توانستند آن را مجبور کنند که در بسیاری از موارد از اصرار بر مبنای تئوریک خود کوتاه بیایند.

بر این اساس، انتقاد کلیسای کاتولیک به شبیه سازی انسان بیشتر ریشه الهی و اخلاقی داشته است که بزرگترین مشکل آنها از بین بردن کرامت انسانی و استفاده ابزاری از بشر و کاهش ارزش و نقش خانواده بوده است. اساس مخالفت کلیسای کاتولیک با شبیه سازی انسان اصولاً بخشی از مخالفت آن با سقط جنین و اتانازی (مرگ از روی ترجم) است که آن را در این حیطه مورد ارزیابی قرار دادند.

از دیدگاه فقهای اسلامی شبیه سازی انسان حرام است و آنها دلایل متعددی را علیه آن اقامه کرده اند. از این دیدگاه آنها شبیه سازی انسان را به دلایل فقهی، الهیاتی، اخلاقی، اجتماعی، روانشناختی و دلایل دیگر علمی حرام اعلام کرده اند. آنها شبیه سازی انسان را به عنوان ابزاری برای تضعیف اعتقادات مذهبی، دخالت در آفرینش خداوندی، هتک حرمت انسان، آشفتنی زندگی خانوادگی و گسست در نسب انسانی قلمداد کرده اند. بنابراین آنها (مسیحیت کاتولیک و مسلمانان) شبیه سازی را به مثابه تولد انسان نامشروع می دانند. از این دیدگاه رای فقهای مسلمان و کاتولیک با یکدیگر یکسان است.

این موضوع در اظهارات متعدد، فتاوا و استفتائات بیان شده است. سازمانهای اسلامی و شخص مستقل مکرراً رأی صادر کرده اند که بر اساس آن بر این موضوع تأکید کرده اند. مجمع البحوث اسلامیة دانشگاه الازهر در فتوایی از سران کشورهای مختلف درخواست کرده که از شبیه سازی انسان به هر شکل ممکن آن جلوگیری کنند. شورای اروپایی افتاء و تحقیق نیز شبیه سازی انسان را حرام کرده است. همچنین اداره روابط العالم الاسلامیه که در مکه قرار دارد نیز شبیه سازی انسان را حرام و محکوم کرده و خواستار وضع یک قانون جهانی در مخالفت با آن شد. به علاوه در سمیناری که در مراکش در ۱۹۹۷ برگزار شد پیشنهادها متعددی ارائه گردید که در یکی از آنها منع شبیه سازی انسانی، از طریق انتقال هسته سلول جسدی به تخمک خالی شده از هسته توصیه شده بود.

در آخرین بیانیه شورای فقه اسلامی به صراحت بر تحریم شبیه سازی انسان تأکید شد. آنها با اشاره به شان و مقام انسان در هستی و موفقت اسلام از کسب علم و کمال، در این اظهار خواستار تحریم شبیه سازی انسان و هر روش دیگری که امر شبیه سازی را انجام دهد شدند. در دو روش اشاره شده، روش اول شبیه سازی جنینی با استفاده از "زایگوت" یا تخمک بارور شده و تقسیم آن است، و دیگری شبیه سازی جسدی یا غیرجنسی است.

سرانجام، وزرای بهداشت شورای همکاری خلیج فارس اظهار مخالفت خود را به این صورت که شبیه سازی انسان را بزرگترین جرم که ناسازگار با اخلاق پزشکی است اعلام کردند. در وجهی شدیدتر، مجمع البحوث اسلامیة در دانشگاه الازهر خواستار مجازات شدید عاملان آن و کسانی که به این تکنولوژی می پردازند، به عنوان محارب شدند. این مجمع در اظهاری که در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ اعلام شد، این دیدگاه را مجدداً تکرار کرد و اضافه نمود که شبیه سازی انسان، بشریت را که از طرف خداوند دارای تقدس است به یک موجود بازیچه و پست و تغییر یافته تبدیل می کند. بنابراین، این اظهار بیان می دارد که علیه شبیه سازی انسان هرچه سریعتر باید اقدام شود.

مهمترین ادله الهیاتی دانشمندان اسلامی علیه شبیه سازی انسان را به شرح زیر می توان اعلام کرد: ۱- تردید در آفرینش؛ ۲- توهم معجزه؛ ۳- شریک برای آفریدگار قائل شدن؛ ۴- از بین بردن تنوع گونه های آفریده شده؛ ۵- به خطر انداختن اعتقادات اسلامی؛ ۶- بازی کردن با مخلوقات به وسیله تغییر ژنتیک؛ فلسفه حقوق الهی نیز استدلالهای زیر را در جهت مخالفت با شبیه سازی انسان ارائه کردند: ۱- از بین بردن ضرورت تولید مثل؛ ۲- آشفتنی در نسب؛ ۳- از بین بردن ضرورت های قومی و خویشی؛

۴- از بین بردن قوانین نفقه و ارث؛ ۵- از بین بردن ساختار ازدواج و خانواده؛ ۶- بی محتوا کردن واژه آزادی؛ ۷- ترویج تولید مثل نامشروع؛ ۸- همجنسگرایی؛ ۹- ایجاد فرصت برای فعالیتهای مجرمانه.

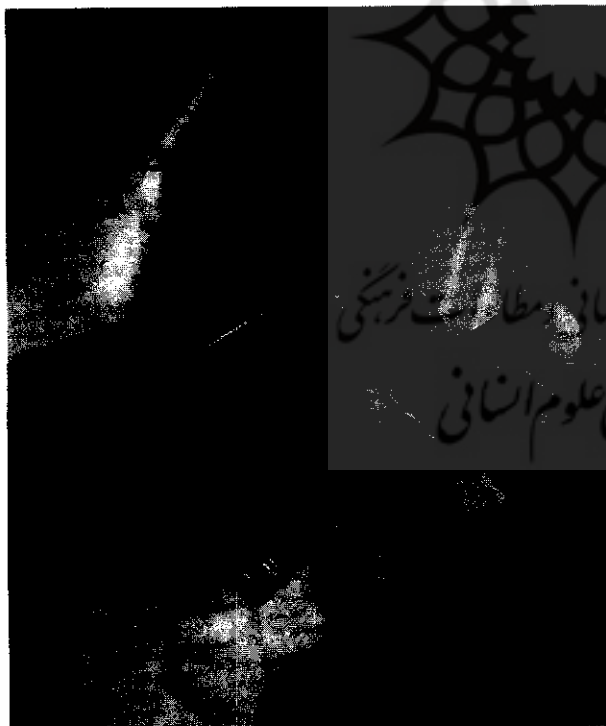
ملاک بررسی شبیه سازی انسان قرار گرفتند. حقیقت آن است که مسلمین به ندرت بر سر مفاهیمی این چنین به توافق می‌رسند. بخصوص در مورد اخیر که اساسا با حقوق بشر ارتباط مستقیمی دارد. البته این مفاهیم با طبیعتشان دارای مباحث گسترده‌ای حتی از لحاظ نظری می‌باشند. ولی این حقیقت که مسلمانان دقت و جزئی‌نگری بیشتری نسبت به سایرین دارند را نمی‌توان انکار کرد. براساس پاراگراف ب بیانیه همایش بین‌المللی دده‌های ژنتیک بشر هر ژن بشر حقوق بین‌المللی بشر تلقی می‌شود. به این ترتیب قطعا نمی‌توان بدون توجه آشکار و دقیق به جایگاه این مفاهیم بنیادی در این سیستم، عکس‌العمل درستی نشان داد.

ب) تدبیر و ایجاد یک نظام اخلاقی ثابت، پایدار و نامتناقض

مشکل دیگر نظام اخلاقی پایدار، ایجاد مسائل اخلاقی جدید است که در این مورد به وجود می‌آید. اگرچه در متون اسلامی مبانی آموزه‌های اخلاقی استواری وجود دارد اما این آموزه‌ها به طور مناسب استفاده نشده و هیچ مبانی و وحی یا نظری اخلاقی موثری از این متون استنتاج نگردیده است.

اما همانگونه که مری رابینسون به درستی به آن اشاره کرده است، نظام جهانی حقوق بشر نیز دچار این کمبود است وی گفته است "یکی از ناشناخته‌های بزرگ، قلمرو اخلاق به معنای دقیق کلمه است."

گرافه گویی نیست که دنیای امروز را دنیای تهی از اخلاق بدانیم. بدیهیات و ارزشهای گذشته امروزه چندان اعتبار ندارند. البته ما از اینکه انگاشته‌های گذشته کم رنگ می‌شوند تاسفی نداریم. ما فقدان نظام اعتقادی و قوانین محکم آن در زندگی ما باعث شده است که در یک مرحله ناپایدار از زندگی گذر کنیم که این مرحله ما را بیشتر و بیشتر از افقهای فرارویمان دور نموده و به یک جهان تحمیلی سوق می‌دهد. به هر حال، بشر به یک دستاورد بسیار چشم گیر در زمینه بیوتکنولوژی دست یافته است که سوالات انسانی و اخلاقی زیادی در ارتباط با آن مطرح است. مسلمانان جدا نیازمند تلویین یک نظریه اخلاقی جامع در شرایط کنونی می‌باشند.



در فقه شیعه در خصوص این مسئله اتفاق نظری وجود دارد و می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی که از رد مطلق تا پذیرش کامل آن در تغییر است، درباره آن بحث کرد. مخالفان شیعی شبهه‌سازی انسان را حرام می‌دانند نه به خاطر دلایل الهیاتی بلکه فقط به خاطر ملاحظات شرعی و فقهی و اجتماعی. اما همین مخالفان شبهه‌سازی انسان، در شرایط درمانی شبهه‌سازی را مجاز شمرده‌اند. همین تفاوت دیدگاه آنها را از دیدگاه کاتولیکی نسبت به موضوع جدا کرده است. حقیقتا از زمانی که شیعیان مخالف شبهه سازی تحقیق و کارکردن بر روی آن را بر مبنای 'سندال‌های فقهی و ملاحظات اجتماعی و نه به خاطر الهیات و ایمان رد کرده‌اند از این نظر نیز دیدگاه آنها با سنی‌ها متمایز گردید. آنها (شیعه) حتی از دیدگاه کاتولیکها که شبهه سازی را برای درمان تحریم کرده‌اند، متمایز شده‌اند.

تحلیل دلایل الهیاتی تحریم شبهه سازی انسان

براساس آنچه که در بالا گفتیم، آیا استدلالهای الهیاتی قدرت اثبات دعای اهل تسنن را داشته و آیا می‌توان تحریم شبهه سازی انسان را از آنها استنتاج کرد؟ در نگاه اول پاسخ به این سوال مثبت به نظر می‌رسد به خصوص آنکه اتفاق نظر مستحکمی به خاطر اعلام نظر شورای قضات، فتاوی‌ای اعلام تسنن و اجماع علما در اشکالاتی که بر شبهه سازی وارد کرده‌اند و هنوز پاسخ آن را نگرفته‌اند، در مورد آن وجود دارد. عنی رغم این با تامل دقیق استدلالهای ارائه شده می‌توان دریافت که در آنها تا حدودی بزرگنمایی شده و استدلالها چندان اعتبار عقلانی ندارند. در حقیقت برخی از این ادله ابتدایی‌ترین اصول استدلال عقلی را نیز وجه کار خود قرار نمی‌دهند. به این ترتیب، ساختار بحث آنها صورت منطقی ندارد. علاوه بر این، بعضی از این ادله هیچ ارتباطی با شبهه سازی انسان ندارند، در حالی که برخی از ادله آنها دیگر دلایل را نقض و برخی دیگر دلایل بی‌مبنایی هستند. در عوض، برخی از آنها با مبانی اجتهاد سازگاری ندارد و در صورتی که پذیرفته شوند علمای اسلامی آنها را نخواهند پذیرفت.

به نظر می‌رسد برخی از مسائلی که درباره شبهه سازی ارائه شده همچنان وجود داشته باشد اما درک واضح و درستی از مکانیزم و ارتباط تکنولوژی جدید و بسیاری از تغییراتی که در آن ایجاد شده وجود ندارد. بنابراین مناسب است قبل از قضاوت درباره چنین موضوعی یک بررسی و مطالعه دقیق و همه جانبه در مورد آن انجام شود تا به یک دانش و قضاوت منصفانه و معقولانه‌تری دست پیدا کنیم.

برخی از علمای شیعه، اصاله 'لاباحه' را به عنوان نقطه آغازین انتخاب کرده و مدعی شده‌اند که تمامی استدلالهای عرضه شده بر ضد شبهه سازی انسان بری تحریم آن ناکافی است. آنها اظهار می‌کنند که شبهه سازی یکی از آخرین دستاوردهای بشر بوده که افق روشنی به سوی معرفت الهی باز نموده و بصورت بسیار سودمندانه و بدون واهمه از ایجاد خلل در افزایش بشر می‌توان از آن بهره جست. از منظر این دیدگاه، علمای شیعه از کاتولیکها و علمای سنی متمایز شده‌اند. چرا که استدلال این علما بر پایه اصول شیعی منطبق است.

باید گفت که در میان مسلمانان، یک مطالعه همه جانبه درباره این موضوع هنوز شکل نگرفته است. در حالی که علمای مذاهب دیگر که خود را با این مساله درگیر کرده‌اند، خود را در بین فتاوا محصور نموده‌اند و به همین دلیل به دانشمندان فرصت تحلیل علمی داده نشده است. بنابراین ضروری است که از این دیدگاه نیز مساله را نه بصورت مجزا بلکه به عنوان بخشی از مهندسی ژنتیک که در جایگاه خود یک علم کامل است مورد بررسی قرار داد. ابعاد مختلف این موضوع را باید مورد توجه قرار داد و بجای یک رفتار مطلقا مذهبی (فقه) باید وجه اخلاقی آن نیز مورد بررسی دقیق قرار گیرد. از این منظر پیشنهادات زیر را می‌توان ارائه کرد:

الف) پایه گذاری اصول و مبانی راهنما

کشورهای اسلامی باید به یک قانونمندی مشترک در مورد جزئیات مسابلی این چنین که در مواجهه با آن دچار مشکل و معضل و یا تضاد عقلی و نظری می‌شوند ایجاد کنند تا در زمان مواجهه با چنین مشکلاتی استدلالهای آنها از جهت و سویی خاص پیروی کند. در اینجا لازم است که یک توجه درخور به نقاط ضعف بجای محو کردن آن ادله داشته باشیم. یکی از این ضعفها، فقدان دیدگاه اسلامی نسبت به مبانی بنیادی این قضیه می‌باشد. بعنوان مثال، در 'مجمع بین المللی ژنوم و حقوق بشر' و نیز در 'همایش بین المللی داده‌های ژنتیک بشر' سه اصل اساسی مورد تاکید قرار گرفت: 'حقوق بشر'، 'بنیان آزادی' و 'الوهی بودن ذات انسان' که این سه مورد

اما دشوار است که به یک توافق کاربردی وسیع بدون در نظر گرفتن مبانی اخلاقی دست پیدا کنیم. به خاطر اینکه 'ولا در چنین شرایطی قوانین حقوقی نتایج تحقیقات بیوتکنولوژی به خصوص در زمینه ژنتیک را کنترل کرده و علاوه بر این از دیدگاه تئوری قوانین طبیعی که حداقل بنیادهای آن درست است، تئوری‌های اخلاقی هنوز مبانی درستی دارند و به این دلیل ما به یک نظام اخلاقی نیازمندیم تا در پوشش آن در روبرویی با چنین پدیده‌های نوینی که بسیار نزدیک با این قوانین هستند بتوان تصمیم گرفت.

قوانین این محدوده، به خصوص در مراحل مقدماتی و شکل گیری ابتدایی به طور واضح و آشکار تحت تاثیر مبانی آموزه‌های اخلاقی براساس نظر 'وارنوج' که

نسایم ترین شاخص معیار شایستگی می‌باشد. آموزه‌های اخلاقی ذاتاً مورد علاقه بشر هستند که با منفعت، انسجام و شادکامی بشری آمیخته شده‌اند. ماهیمی که نتوین می‌شود می‌بایست مانند دولتمردانی که این قوانین را پذیرفتند از سوی مردم نیز پذیرفته شود. قبل از اینکه به صورت حکم قانونی تصویب شود.

ثانیاً ما نیازمند نظریه اخلاقی واحدی هستیم چرا که استناد به نظریات اخلاقی متعدد نتایج متعددی را نیز به همراه دارد. بنابراین ممکن است کنشی تقریباً متناقض در مکتب اصالت منفعت که مدعی آن است که بیشترین منفعت از سوی اکثریت مردم حاصل می‌شود با نظام اخلاقی کانت که بر این باور است که انسان هدف اصلی خلفت است در تضاد است. جالب است که بدینم در سال ۱۹۸۴ درک پارفیت در کتابش با عنوان استدلالات و اخلاق از نظریات اخلاقی که مشکلات اخلاقی را مورد بررسی قرار دادند و همچنین از ساختار رفاه نسل آینده دفاع کرده است و بنابراین او بر ضد توبید سلاح‌های هسته‌ای مباحث بسیاری عرضه کرده است. اگرچه در همین زمان دیگر فیلسوفان اخلاق به ضرورت نیز به این گونه سلاح‌ها تاکید ورزیدند.

ثالثاً قلمرو تکنولوژی بسیار وسیع و تقریباً نامحدود است و برخی از این نتایج می‌تواند زندگی آیندگان را متحول سازد، زندگی کسانی که هنوز متولد نشده‌اند و مسئول آنچه که امروز اتفاق می‌افتد نیستند ولی هنوز ما از دیدگاه اخلاقی مسئول آنچه که بر آنها خواهد گذشت هستیم.

ج) بسط رابطه بین

اخلاق و علم شریعت

علاوه بر یک نظام اخلاقی، باید به ارتباط بین مبنای فقه و اخلاق نیز پرداخته شود. در برخی کشورهای اسلامی نظیر ایران فقه با مبنای سنتی‌اش در ساختار قضایی تاثیرگذار است در حالی که در سایر کشورهای اسلامی بر مبنای اجتماعی و قضایی نیز موثر است. سؤال اینجاست که تا چه حدی

نظام‌های عقلانی نیازمند پیروی از اصول اخلاقی می‌باشند. حتی اگر مسئله شماره شده در پاراگراف قبل حل گردد و یک نظام جامع اخلاقی شکل بگیرد آیا این برداشتهای مذهبی و قضایی از جامعه جذف خواهد شد؟ آیا یک ارزش کلی اخلاقی در واری مذهب و فقه وجود دارد که به قوانین حقوق و قضایی شکل می‌دهد یا نه؟ بنابراین یکی از کمبودها در کشورهایی نظیر ما (ایران) فقدان جزئیات دقیق ارتباط بین نظام اخلاقی و نظام حقوقی اسلامی می‌باشد. بنابراین هیچ کشوری و هیچ نظام قانون مدنی که قصد فعال ماندن و تاثیرگذاری بر این محدوده را دارد از ضرورت مسئله اخلاق به راحتی نمی‌تواند چشم پوشی کند.

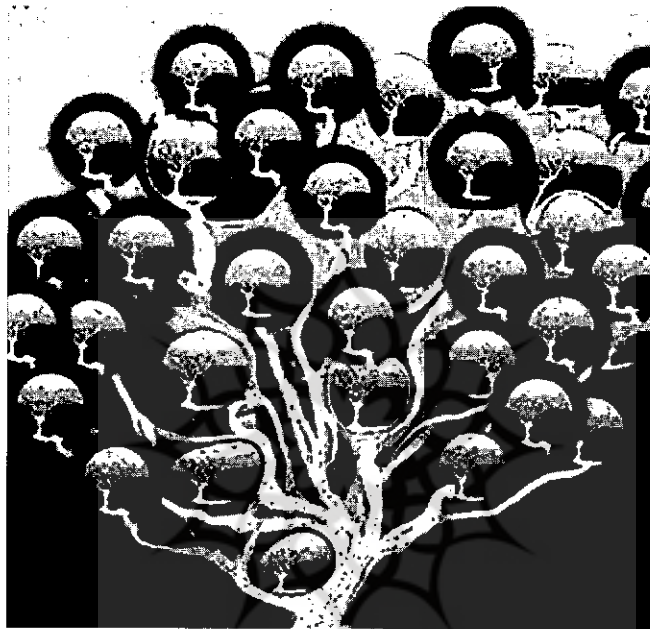
به نظر بنده، تحلیلهایی که در متون مذهبی درباره کرامت انسانی آمده‌اند کاملاً جنبه متافیزیکی و انسان شناختی ندارند بلکه همپوشانی از انسان می‌باشند که هم از لحاظ هستی شناختی و هم از لحاظ قوانین حاکم بر اجتماع با نذاید معنوی یا الهی به

عنوان حقیقت پذیرفته شده‌اند. یکی دیگر از این آموزه‌های مذهبی که در آیه کرامت در قران کریم (اسراء آیه ۷) آمده است به ما گوشزد می‌کند که شان هر کس به عنوان جزء لاینفک ذاتی اوست و همچنان که به ماهیت طبیعی فرد احترام می‌گذاریم می‌بایست به آن نیز به عنوان یک مخلوق مقدس خداوند احترام بگذاریم. به این دلیل قوانین اخلاقی و حقوقی به ما تحمیل می‌شوند. در این میان استخاص می‌توانند بر مبنای شان و تقدس اعطایی از سوی حضرت حق ادعا کنند که هر کس در مواجهه با آن به طور قانونی موظف به ادای احترام به آن می‌باشند. بیش از این یکتفر می‌تواند ادعا کند که بر اساس این حقیقت که انسان از شان و جایگاه عالمگیر برخوردار است دیگران نباید این جایگاه را مورد تعرض قرار دهند و همچنین از این دیدگاه احترام گذاشتن به این جایگاه وظیفه اجباری خواهد بود.

در یک تعامل مذهبی حق همان ویژگی ای را دارد که وظیفه دار است و به اندازه حق زیستن بشر قبل از آنکه خداوند آن را اعطا کند اهمیت دارد و به همین دلیل حق نذرند این شان را از او گرفته و خود را مورد ستایش قرار دهد.

واضح است که چنین مبانی می‌تواند کاربرد گسترده‌ای داشته باشد به طوری که

تحقیقات ژنتیک و بیوتکنیک را محدود کند. علاوه بر این یک تحقیق بدون در نظر گرفتن ماهیت انسان و مبنای استقلال فردی بدون رضایت و شان انسانی او بسیار ناموجه است. به عبارت دیگر، بنیان و مفهوم رضایت و آزادی علی رغم همه اهمیت آن در بسیاری از احکام قانونی که در بحث ژنتیک وجود دارد در مقابل مبانی کرامت انسانی تسلیم شدند. در نتیجه کسی نمی‌تواند به طور قانونی رضایت خود را از اعمال ژنتیکی و ژنوم ارائه کند به طوری که با کرامت انسانی او در تضاد باشد. همانگونه که کس دیگری نمی‌تواند این کار را بکند و هر تعاملی در مورد ژنوم او را تغییر دهد. آموزه‌های اسلامی چه از نوع حقوقی و چه از نوع اخلاقی قلمرو بسیار گسترده‌ای داشته که به آنها



جازه مطالعات بر روی ساختارهای ژنتیکی انسان را داده است. در حالی که در همین هنگام بر اساس همین مطالعات نگرانی‌های جدی نیز وجود دارد. در این گسترده، مسلمانان برای ارتباط با دنیا نخست باید تمامی برداشتهای ژنتیکی کوتاه و بلندمدت مطالعات و بررسی‌های ژنتیکی را مورد اهمیت قرار دهند.

در گام بعدی، مفهومی که آنها ارائه می‌کنند باید مطابق و جامع با نظام اخلاقی مبتنی بر فقه باشد در حالی که بنیان آن در ملاحظات حقوقی نیز لحاظ شده باشد. در ادامه و با تامل دقیقتر در دیدگاه مبنای اسلامی کرامت انسانی، نسجام در نوع دوستی و مبنای عدالت و احتیاط نیز در محدوده مطالعات ژنتیکی به خصوص آن بخش که با این اصول در ارتباط است باید مورد توجه قرار گیرد. تمامی این مباحث باعث خواهد شد که مسلمانان از یک زمینه محکم و قوی در مواجهه با بحث طرح شده برخوردار باشند.

پی نوشت‌ها:

1. The news of this ban can be found in the Arabic site of "Nida al-Eman" under www.al-eman.com from Dec. 29, 2002 as well as the Arabic site of Al-Khalij under www.gulfpark.com from Oct. 16, 2002.
2. Al-Maglis al-Urubi lil Ifta wa al-Bohus.
3. The text of the debate on this issue is placed on the site of this Council, see www.ecff.org from Oct. 22, 2004.
4. -Robinson, Mary, "les cles duxxi Siecle" edition seuil / UNESCO Tr. Into Persian by E.Beigzadeh, Tahghighate hughghi, No.33-34 2001. p. 329.
5. -Wanoch, G. 1983, pp. 69 and 91.
6. For a study of the relation between legislation on the legal and ethical level, see Gorewich, G. Tr. Into Persian, hy H. Habibi, 1979, pp. 225-228.
7. -R. Nobahar "In temational Declaration on Human Genetic data: Concept. Approaches, and Its compatibilities with Islamic Perspectives" in Bimonthly Research Journal of Mofid University, No. 48, p.69, Feb-Mar. 2005